



ما برای صحنه‌هایی مثل حضور پرش خانم‌ها از ارتفاع در برنامه اتفاق جنگیدیم؛ برای شدن آن، پخش و همه جزئیات این فرآیند. برای خود من این اتفاق دستاورد بود. شاید بیننده تلویزیون فقط آن را ببیند ولی برای من برخی از این اتفاقات که انجام شده است دستاورد بوده است یا حتی اجرای دختران نیتجابه نظرم یک دستاورد بود. من به‌شخصه هر چه داشتم برایشان گذاشتم

فایده‌یک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ • شماره ۷۶۶



جوانی ارشاد کارکنی چان که خود زمانی بدلکار بوده است



که منتشر شد و حالتی که وجود داشت بیشتر خنده‌دار بود ولی تصاویر بعدی که در خروجی کار دیده می‌شود منجرکننده است. اینها برای من تجربه متفاوتی بود. یا من در یک فیلم آمریکایی کار کردم که مثل بازی تاج و تخت کاری تخیلی بود و در آن اژدها داشتیم آن کار هم تجربه متفاوتی بود چون لشکرکشی و سربازان زیادی داشت و از لوکیشن‌ها و دکورهای عجیب و غریبی برخوردار بود و دیدن این اتفاقات در پشت صحنه برای من خیلی جذاب بود. تعریف من برای تفاوت آنها بود اما اینجا ساختمان در پشت صحنه و جلوی صحنه همان ساختمان است و پروداکشن و دکور خیلی متفاوت نیست چون اینجا ما نمی‌توانیم فیلم تخیلی یا ابرقهرمانی بسازیم.

به لحاظ قصه یا امکانات؟

هر دو. اگر اینجا مثلاً جنگ ستارگان را بسازند و یکی از شخصیت‌ها به دیگری بگویند فلانی نیزه را به من بده همه می‌خندند. در ایران فیلم وسترن یا فیلم چینی شائولینی نمی‌توان ساخت، فیلم ترسناک نمی‌توان ساخت اینها فاکتورهایی دارد که اصلاً نمی‌توان آنها را به کار گرفت و اصلاً نمی‌توان به سمت این ژانرها رفت. ژانر درام داریم چون نویسندگان خوبی در این فضا هستند و کارگردانان ما هم بیشتر به حال و فضای فیلم می‌پردازند تا صحنه آن. صحنه‌پردازی آنها عالی است ولی بیشترین قدرت‌شان را در احوالات فیلم به کار می‌گیرند و می‌بینید که فیلم یک غم عجیبی دارد. مثلاً در فیلم ابد و یک روز یک حال عجیبی را شاهد هستیم. ما در ایران ژانر اکشن هم نداریم و از دهه ۷۰ به بعد این ژانر با فیلم‌های جمشید هاشم‌پور پایان می‌یابد اما همان‌طور که گفتم در درام اجتماعی آثار بسیار خوبی داشته‌ایم.

بارها گفته‌اید که به‌رغم کار در این حوزه اما

ترس‌هایی هم دارید...

من از ارتفاع یا سرعت یا تاریکی می‌ترسم ولی دارم با اینها زندگی می‌کنم چون راهش را پیدا کرده‌ام.

برخی از ترس خانم‌ها در مواردی مثل بدلکاری یا ارتفاع می‌گویند آیا آماری داریم که مثلاً نشان دهد خانم‌ها بیشتر می‌ترسند؟

خانم‌ها ترسو تر نیستند این را با قطعیت می‌گویم چون من بالای چند هزار خانم از طریق بانجی پرانده‌ام. فقط سیستم فکری خانم‌ها در کارهای خطرناک و هیجان‌انگیز با مردها متفاوت است. نگرش و ایدئولوژی آنها در مواجهه با رویداد متفاوت است و یک دلیلش همین است که مردها یک‌بعدی هستند و خانم‌ها چندبعدی. برای مردها شروع هر حرکتی سخت است اما خانم‌ها در شروع بسیار قوی‌ترند و در ادامه مردها در کار تخصصی موفق‌تر هستند، این طبق تجربه و آمار به‌دست است و البته در تجربه همیشه استثنا وجود دارد. مثلاً در آشپزی بهترین آشپزهای دنیا مردها هستند چون به صورت تخصصی به یک حرفه می‌پردازند و درصد بالایی از آنها یک‌بعدی هستند.

شما تجربه‌های مختلفی در طراحی و اجرای صحنه‌های بدلکاری در سینما و تلویزیون داشته‌اید کدام یک از این تجربه‌ها برای خودتان خیلی متفاوت بوده است؟

در ایران کاری که بگویم خیلی متفاوت بوده است هنوز انجام نداده‌ام. مثلاً فیلم ترسناک هالیوودی کار کرده‌ام و خیلی برایم تجربه متفاوتی بود. همیشه برایم سؤال بود بازیگرانی که در این فیلم‌ها بازی می‌کنند خودشان هم ترس دارند یا خیر و ما در هنگام بازی در آن فیلم ترسناک در پشت صحنه واقعا می‌خندیدیم. آن قدر می‌خندیدیم که حتی سرکارهای کمدی در ایران نخندیده بودم چون خیلی برایم باحال و بامزه بود. بخش خون و کثافت کاری‌های اینچنینی هم داشت (می‌خندد) که البته خون بخش خنده‌داری نیست ولی مثلاً پتکی داشتیم که باید بر سر یک نفر می‌زدیم و مغز او می‌پاشید و بعد از این که زدیم هیچ‌کس حالش بد نشد بلکه همه زدیم زیر خنده. صدایی

کنم اما به چیزی هم که اعتقاد دارم عمل می‌کنم. من اولین مربی بانجی جامپینگ ایران هستم و روی سکوهایی بانجی خانم‌ها را هم پرانده‌ام. من اولین مربی تونل باد ایران هستم و برای اولین پرواز رسمی جلوی خبرنگاران یک خانم را پراندم چون اطمینان دارم که خانم‌ها می‌توانند. وقتی خانم‌ها به میدان می‌آیند اگر ۱۰۰ باشند کار را با ۱۴۰ انجام می‌دهند. اینها را هم نمی‌گویم که به نام فمینیست بودن تعبیر شود به هر حال زنان هم بخشی از مردم هستند و انصاف این است که آنها هم در اتفاقات حضور داشته باشند.

از آنها را ممنوع کرده‌ایم اما وقتی تمیز و درست و قانونی آن را می‌بینیم فهمیده‌ایم اشکالی ندارد.

و اصلاحی و ویژگی کارتان هم همین تعامل و طراحی حرکات برای زنان هم بوده است.

من کمی افسارگسیخته‌ام البته این زیاد فعل مناسبی نیست ولی در قالب تعاریف نمی‌گنجم چون در اشل خاصی قرار نمی‌گیرم همین الان هرچور دلم بخواهد با شما صحبت می‌کنم چون از چیزی نگران نیستم و پرونده پاکی دارم. از عذرخواهی کردن هم واهمه‌ای ندارم و این مدلی نیست که به شکل یک‌دنده روی حرفی که به اشتباه زده‌ام پافشاری

